

بسم الله الرحمن الرحيم
عنوان کلی: کوثر و ابتر ۲
عنوان جلسه اول: حساب ریاضی خدا
موضوع جلسه اول: برکت و یا خسارت بودن جنین در رحم مادر

انگیزه سازی

بین سال‌های ۱۳۶۷ تا ۱۳۹۰، ۲۳ سال شعار «فرزند کم‌تر، زندگی بهتر!» برای کنترل جمعیت مطرح شد و همه‌جا حتی در صداوسیما هم تبلیغات گسترده روی آن انجام گرفت. از سال ۹۰ تاکنون شعار «فرزند بیشتر، زندگی بهتر» یا «فرزند بیشتر، زندگی شادتر» تبلیغ می‌کنند و معتقدند این سیاست در آن زمان لازم بوده؛ اما ادامه آن در شرایط امروز، کار عاقلانه‌ای نیست.

انگیزه
سازی

۱. کشف

مساله

(سوال و

شبهه)

از این طرف جامعه امروزی هم سیاست فرزند بیشتر را عاقلانه نمی‌داند و می‌گوید: «این از اون حرفاست! طرف روزی یه وعده غذا هم نداره بخوره، سالی یه بچه بیاره، بگه "هر آنکس که دندان دهد نان دهد!" اونی که دندان داده، عقل هم داده! و این هم درسته که روزی آدمها دست خداست... بعله... صد در صد... بدون شک... و اگر خدا نخواست برگی از درخت نمی‌افته. من توش شکی ندارم حتی همین حقوق کارمندی رو هم اگر خدا نخواست کارفرما واریز نمی‌کنه ولی این معنی این نیست که چشم روی واقعیت‌های مالی مون بندیدیم و تصمیم‌های غیرعاقلانه بگیریم. چون در لطف خدا هیچ شکی نیست اما آدم از فردای خودش خبر نداره.

شاید با بچه‌دار شدن افراد عاقلانه‌تر خرج می‌کنند، شاید بعضی اضافه‌کار و کار دوم پیدا کنند، شاید ادامه تحصیل کسی در آن حین منجر به ارتقای شغلی و افزایش حقوقش بشه. صد البته با آمدن بچه، پدربزرگ مادربزرگ‌ها هم کمک مادی و معنوی می‌کنند. این طبیعیه که درآمدتان با بچه بیشتر بشه اما اگر کسی بگه درآمد ثابت و مخارج هم بیشتر شده ولی قبلاً کم می‌آورد و حالا زیاد میارم راستش... به ریاضی‌اش شک می‌کنم!» اینها را همیشه به حساب رزق بچه گذاشت. چون بچه، با قاشق طلا تو دهان که به دنیا نیما! و یارانه بچه و آدم‌بزرگ همون ۴۵ هزار تومن! خدا هم شب زیر بالش کسی تراول نمیذاره! مجبوریم همین حقوق و درآمد را برای خانواده هزینه کنیم و اگر برای ۲ نفر هزینه شود، بهتر و عاقلانه‌تر می‌توان مدیریت کرد و سطح رفاهی بالاتری را برای فرزندان ایجاد کرد این مطلب را هر کسی با حساب سر انگشتی می‌تواند حساب کند. به راستی فرزند بیشتر در شرایط اقتصادی امروز عاقلانه است؟

در جواب باید بگوییم بله. راست می‌گویند به حساب ریاضی در بازار و کاسبی، دو دو تا می‌شود چهارتا.

ما که از حساب ریاضی خدا خبر نداریم شاید جواب دو دوتا برای خدا بشود هزارتا!

این حساب دو دوتا برای دیروز و امروز نیست، از هزار و اندی سال پیش بوده تا الان.

زمانی که «عبدالله^۱» پسر پیغمبر اکرم (صلی الله علیه وآله) از دنیا رفته بود، «عاص بن وائل» که از سران مشرکان بود، پیغمبر اکرم (صلی الله علیه وآله) را به هنگام خارج شدن از مسجد الحرام ملاقات کرد و مدتی با حضرت گفتگو نمود. بعد

وارد مسجد شد عرب کسی را که پسر نداشت «ابتر» (یعنی بلا عقب، بریده نسل و بی عقب) می‌نامید... به او

گفتند: با که صحبت می‌کردی؟ گفت: با این مرد «ابتر»!

ای وای که با کشتن محسن پسرش

یک سوم سادات جهان را کشتند

سقطجنین، فقط پروژه دیروز دشمن برای قطع نسل سادات و شیعیان نبوده و در زمان حال نیز ادامه دارد و همچنین در آینده نیز توسط دشمن برنامه ریزی خواهد شد.

در کشور ما این دشمنی‌ها در پوشش شعار فریبنده «فرزند کم‌تر، زندگی بهتر» در خانواده‌های ایرانی نهادینه شد و تک‌فرزندی محبوبیت یافت.

۴. تبیین
با کلام
علما

رهبر معظم انقلاب در سال ۹۰ به بعد، جهت توقف سیاست‌های مہار جمعیت فرمود: «... خانواده‌ها و جوان‌ها باید تولیدمثل را زیاد کنند. باید نسل را افزایش دهند. این محدود کردن تعداد فرزندان در خانه‌ها - به این شکلی که امروز هست - خطاست!»

بله یقیناً اداره زندگی و تربیت فرزند جدید، زحمت دارد و مورد طعن و سرزنش مردمی هست که با حساب و کتاب و ریاضی دنیا فرزند ناخواسته و یا به عبارت بهتر فرزند خدا خواسته؛ را ارزیابی می‌کنند ولی مؤمنین چون قرار است زندگی‌شان رنگ و بوی خدا و اهل بیت داشته باشد^۸ و محیا و ممانتشان^۹ مثل اهل بیت علیهم السلام باشد با الگو گیری از اهل بیت علیهم السلام و با توکل بر خدا و وعده‌های قرآنی و با حساب ریاضی خدا، مسائل را محاسبه می‌کنند و تمام مشکلات را تحمل می‌کنند چون می‌دانند سود و برد در قبول وعده‌های خداست.

زندگی سخت فاطمه و علی

۵.
توضیح و
تبیین به
نمونه
خارجی

تولد ۵ فرزند در طول ۹ سال زندگی مشترک، یکی از درس‌های بزرگ و الگوی قوی برای جامعه شیعی محسوب می‌شود متأسفانه بسیاری از بانوان جامعه ما به دلیل سختی فرزند آوری، عطای این اجر عظیم را به لقای زحمت آن می‌بخشند و حال آنکه حضرت زهرا سلام الله علیها با حداقل فاصله ممکن و با مشکلات فراوان فرزندان را تربیت نمود که سرآمد و فخر و شرف عالم شدند. زندگی این زوج با سختی و البته صبر ایشان در برابر این سختی‌ها همراه بوده است. در تاریخ آمده علی علیه السلام دچار تهی‌دستی شدیدی شد. حضرت فاطمه علیها السلام برای این موضوع به حضور رسول اکرم صلی الله علیه و آله مشرف شد. هنگامی که دقّ الباب نمود، رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: من احساس می‌کنم که حبیب‌ام پشت در باشد، ای امّ ایمن برخیز ببین کیست.

وقتی امّ ایمن در را باز کرد و فاطمه زهرا داخل شد، پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به وی فرمود: زمانی نزد ما آمدی که هیچ وقت نمی‌آمدی! گفت: یا رسول الله! غذای ملائکه نزد خدای ما چیست؟ فرمود: گفتن الحمد لله.

گفت: غذای ما چیست؟ فرمود: سوگند به حقّ آن خدایی که جان من در دست قدرت اوست مدت یک ماه است که آتش در خانه ما روشن نشده (غذای پختنی نخورده‌ایم) ولی من آن پنج کلمه‌ای را به تو یاد می‌دهم که جبرئیل به من تعلیم داده است. گفت: کدام پنج کلمه یا رسول الله صلی الله علیه و آله؟

فرمود: بگو: «يَا رَبَّ الْأُولِينَ وَالْآخِرِينَ وَ يَا خَيْرَ الْأُولِينَ وَالْآخِرِينَ وَ يَا ذَا الْقُوَّةِ الْمَتِينِ وَ يَا رَاحِمَ الْمَسَاكِينِ وَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ»؛ حضرت فاطمه علیها السلام پس از شنیدن این کلمات مراجعت نمود، وقتی چشم حضرت امیرالمؤمنین علیها السلام به وی افتاد، گفت: پدر و مادرم به فدایت چه خبر آوردی؟ گفت: من به منظور کار دنیا رفتم، ولی با توشه‌ای اخروی بازگشتم. علی علیه السلام دومرتبه فرمود: برایت خیر باشد.^{۱۰}

۶. تبیین
رحم خدا
به عنوان
منشا رزق

صِبْغَةَ اللَّهِ وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ صِبْغَةً وَتَحْنُ لَهُ عَابِدُونَ «رنگ خدایی و چه رنگی از رنگ خدایی بهتر است؟!...» آیه ۱۳۸ سوره بقره. مفاتیح الجنان. زیارت عاشورا. اللَّهُمَّ اجْعَلْ مَحْيَايَ مُحَمَّدًا وَمَحْيَا مُحَمَّدٍ وَ أَلِ مُحَمَّدٍ، وَ مَمَاتِي مَمَاتِ مُحَمَّدٍ وَ أَلِ مُحَمَّدٍ. خدایا حیاتم را حیات [آمیخته به عشق] محمد و خاندان محمد، و مرگم را مرگ [در حال شفیقتی به] محمد و خاندان محمد قرار ده. زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (ترجمه جلد ۴۳ بحار الأنوار) ترجمه روحانی، ص: ۵۶۵ و ۵۶۶

۷. مقایسه
دلسوزی
مادر با
دلسوزی
خدا برای
طفل

۸. توضیح
و تبیین با
نمونه
روایی

حضرت رسول صلی الله علیه و آله می توانستند کمک مالی به ایشان بنمایند ولی با آموزش این کلمات، ایشان و همه جهانیان را به نگاه توحیدی و رزاقیت خدای مهربان رهنمون کرد.
فرمود: **يَا رَبَّ الْأُولِينَ وَالْآخِرِينَ... وقتی خدای مهربان انسان ها را خلق کرد؛ ربوبیت، سرپرستی، رزاقیت و خدایی همه عالم را خودش به عهده گرفت؛ و خودش هم خوب خدایی است (نِعْمَ الرَّبُّ) ^{۱۱} چون هم خیرخواه همه بندگان است و هم رَاحِمَ الْمَسَاكِينِ و أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.**

رحمت خدا بیش از رحم پدر و مادر

در حدیثی از مولا امیر المؤمنین علی (علیه السلام) آمده است: **اللَّهُ رَحِيمٌ بِعِبَادِهِ**، خداوند نسبت به بندگان رحیم است و از رحمت او این است که یکصد شاخه رحمت آفریده، یکی از آن را بین تمام بندگان تقسیم کرده، **فِيهَا تَتَرَاخَمُ النَّاسُ** و به واسطه آن یک رحمت، مردم نسبت به یکدیگر مهربان اند، **و تَرَحَّمُ الْوَالِدَةُ وَلَدَهَا...** و مهر مادری نسبت به فرزند خود نیز از آن یک رحمت خدا نشئت می گیرد. ^{۱۲}

محبت والدین به فرزندشان، تنها بخش بسیار اندکی از یک رحمت خدا به همه خلقت در عالم دنیاست و این بخش بسیار کوچک در برابر ۹۹ رحمت دیگر خدا هرگز قابل قیاس نیست.

علاوه بر این، همان محبت پدر و مادر نسبت به فرزندشان که از رحمت خدا نشئت می گیرد، دقیقاً همان محبت رحمانی خدا نسبت به آن فرزند است که در قالب ابراز محبت و رحمت پدر و مادرش بروز کرده است.

رازق فقط خداست

امیر المومنین و حضرت زهرا علیهما السلام به خدایی که ارحم الراحمین هست ایمان داشتند چون خدایی که نسبت به بندگان این چنین دلسوز و مهربان است، در روزی رساندن هم اقدر القادرین است، یعنی قدرت روزی رسانی با حساب و کتاب و حکمت عالی را دارد و نحوه روزی رساندن به من و شما و همه مخلوقین را به خوبی می داند و خودش رزق همه جنبندگان از ریزودرشت را تضمین کرده و می فرماید: **«وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ إِلَّا عَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا»**؛ و هیچ جنبنده ای در زمین نیست جز آنکه روزی اش بر خداست. ^{۱۳} یکی از انواع توحید، توحید در رزاقیت است یعنی «رازق فقط خداست» در نتیجه هیچ رازقی غیر از خدا نیست. پس اگر من نیز برای خودم سهمی از رزاقیت در نظر داشته باشم قطعاً دچار شرک شده ام.

درست است که هر موجودی در این دنیا سهمی از روزی دارد، من نمی گویم که خدا برای برکت دادن منتظر بارداری کسی هست؛ اما بارداری و فرزند آوری یکی از شاهراه های رزق است که خدا از طریق آن به ما بی حساب روزی می دهد. بکر بن صالح می گوید به امام کاظم (علیه السلام) نامه نوشتم: «حدود پنج سال است که از طلب بچه خودداری کرده ام و این بدان سبب است که همسر من از این کار ناخشنود است و می گوید تربیت و نگهداری

فرزند آن به علت کمبود مالی مشکل است. نظر شما چیست؟» امام در پاسخ به من نوشت: **«اطْلُبِ الْوَلَدَ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَرْزُقُهُمْ»** ^{۱۴}؛ در پی فرزند باش؛ زیرا روزی آنها را خداوند عزوجل می دهد. جایگاه عقل کسانی که بارداری و حفظ جنین را برای این زمانه که مشکلات زیاد است، بی عقلی می دانند و به نظر خودشان عاقل هستند، در پازل رزاقیت و قدرت و عقل خدا کجاست؟

أَشْهَدُ أَنْ رَبِّي نِعْمَ الرَّبُّ وَأَنْ مُحَمَّدًا نِعْمَ الرَّسُولُ، مِنْ لَا يَحْضِرُهُ الْفَقِيه، ج ۱، ص ۳۱۹

اللَّهُ رَحِيمٌ بِعِبَادِهِ، وَ مِنْ رَحْمَتِهِ أَنَّهُ خَلَقَ مَاءَ رَحْمَةٍ جَعَلَ مِنْهَا رَحْمَةً وَاحِدَةً فِي الْخَلْقِ كُلِّهِمْ فِيهَا تَتَرَاخَمُ النَّاسُ، وَ تَرَحَّمُ الْوَالِدَةُ وَلَدَهَا... فَأَذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ أَصَافَ هَذِهِ الرَّحْمَةَ الْوَاحِدَةَ إِلَى تِسْعٍ وَ تِسْعِينَ رَحْمَةً، فَيَرْحَمُ بِهَا أُمَّةً مُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مستدرک سفینه البحار از مرحوم علامه متبج نمازی شاهرودی، جلد ۴، صفحه ۱۲۵.

هود، ۶

الکافی، کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، محقق / مصحح: غفاری، علی اکبر، آخوندی، محمد، دار الکتب الإسلامیة، تهران، ۱۴۰۷ هـ ق، چاپ چهارم، ج ۶ ص ۳. كَتَبْتُ إِلَى أَبِي الْحَسَنِ (عليه السلام) أَنِّي اجْتَنَبْتُ طَلَبَ الْوَلَدِ مِنْدُ حَمْسِ سِنِينَ وَ ذَلِكَ أَنَّ أَهْلِي كَرِهَتْ ذَلِكَ وَ قَالَتْ إِنَّهُ يَشْتَدُّ عَلَيَّ تَرْبِيَتُهُمْ لِقَلْبِهِ الشَّيْءُ فَمَا تَرَى فَكَتَبَ (عليه السلام) إِلَيَّ اَطْلُبِ الْوَلَدَ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَرْزُقُهُمْ.

۹. مقایسه
و تشبیه با
اجزای
دیگر دین

برای همین می پرسیم عقل و حساب و کتاب چه کسی ملاک است؟ خدا؟ یا مردم؟ در معادلات و ریاضی مردم دنیا وقتی کسی پول ربوی می گیرد اموالش زیاد می شود ولی در دفتر حساب خدا، بی برکتی و خسران و ضرر دنیا و آخرت برای رباخوار قرار داده شده است:

«وَمَا آتَيْتُمْ مِنْ رَبًّا لِيَرْبُوَ فِي أَمْوَالِ النَّاسِ فَلَا يَرْبُو عِنْدَ اللَّهِ»^{۱۵}

و آن سودی که شما به رسم ربا دادید که بر اموال مردم (رباخوار) بیفزاید نزد خدا هرگز نیفزاید (بلکه محو و نابود شود). وقتی زکات می پردازید در حساب مردم دنیا، اموال شما کمتر می شود ولی در حساب خدا چندین برابر؛ چون رزق دست خودش هست و خودش مقدر کرده و ریاضی اش با حساب ریاضی اهل دنیا فرق کند: «وَمَا آتَيْتُمْ مِنْ زَكَاةٍ تُرِيدُونَ وَجْهَ اللَّهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُضْعِفُونَ»^{۱۶} و آن زکاتی که از روی شوق و اخلاص به خدا، (به فقیران) دادید (ثوابش چندین برابر شود و) همین زکات دهندگان هستند که (نزد حق ثواب و برکات و دارایی) چند برابر دارند.

رشدی که از ربا حاصل می شود، کاذب و ظاهری است، نه واقعی و نزد خداوند. «فَلَا يَرْبُوا عِنْدَ اللَّهِ» گرچه در دید مادی، پرداخت زکات، مایه کمبود مال است، ولی به جهت فقرزدایی از جامعه، خدای مهربان به صورت مضاعف برکت و سود فراوان در آن حساب کرده است: «فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُضْعِفُونَ».

خداوند متعال برکت را در وجود گوسفند قرار داده و از وجود سگ برکت را گرفته است.

گوسفند در هر زایمان یک یا دو و به ندرت سه بره به دنیا می آورد و معمولاً گوسفند به مرگ طبیعی هم نمی میرد بلکه توسط انسان ذبح می شود و در مقابل سگ در هر بار زایمان پنج شش توله و یا بیشتر به دنیا می آورد اما می بینیم تعداد گوسفندان به مراتب از تعداد سگ ها در روی کره زمین بیشتر است و علت آن همان برکت خدادادی در وجود گوسفند است.

افرادی را که به بهانه مشکلات اقتصادی اقدام به فرزند آوری نمی کنند و یا اگر خدا به آنها نعمت فرزند داد اقدام به سقط عمدی جنین می کنند، از نظر قرآن می توان به دو دسته تقسیم کرد:

الف) افرادی که واقعاً فقیرند. در آیه ۱۵۱ انعام می فرماید:

«لَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ مِنْ إِمْلَاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُكُمْ وَإِيَّاهُمْ»^{۱۷} فرزندانتان را به خاطر فقر و بدبختی نکشید، ما شما و آن ها را روزی می دهیم.»

در این آیه نکته ظریفی وجود دارد: روزی شما مقدم بر روزی فرزندان آمده، یعنی خیال نکنید که روزی فرزندانان دست شماست بلکه روزی خود شما را هم ما می دهیم.

حال که روزی ما را خدا می دهد مطمئن باشیم روزی دادن فرزندانمان هم برایش کاری ندارد. وقتی بین مردم می رویم بسیار می شنویم که می گویند:

۱۰. مقایسه و
تشبیه با
اشیاء
پیرامون

۱۱. تبیین
با آیات
قرآن

آیه ۳۹ سوره روم.

آیه ۳۹ سوره روم.

قُلْ نَعَالُوا أَلْ مَا حَرَّمَ رَبُّكُمْ عَلَيْكُمْ أَلَّا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَلا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ مِنْ إِمْلَاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُكُمْ وَإِيَّاهُمْ وَلا تَقْرَبُوا الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلا بَطْنَ وَلا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ ذَلِكُمْ وَصَّاكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ؛ بگو: بیاید تا آنچه را پروردگارتان بر شما حرام کرده بخوانم: چیزی را با او شریک مگیرید، و به پدر و مادر نیکی کنید، و فرزندانان را از ترس تنگدستی نکشید. ماییم که به شما و آنان روزی می دهیم، و به کارهای زشت، چه آشکار و چه پنهان، نزدیک نشوید، و نفسی را که خداوند (کشتن آن را) حرام شمرده، جز به حق (مثل قصاص یا دفاع) نکشید، اینهاست آنچه خداوند شمارا به آن توصیه فرموده، باشد که تعقل و اندیشه کنید.

«از وقتی دخترم را حامله شدم زندگی‌م عوض شد، حالا هم که به دنیا اومده که صد برابر بهتر شده. سه ماهه بود که ما به‌طور کاملاً اتفاقی و بدون هیچ برنامه‌ریزی خونه خریدیم که من هنوزم باورم نمیشه و از نظر مالی هم خدا را شکر همه چی خوبه.» فرشته‌های کوچولوی خدا همیشه دو بال پر از برکت و رحمت الهی دارند.^{۱۸}

ب) افرادی که فقیر نیستند ولی ترس فقر در آینده و هزینه‌های فرزند خداداده دارند.

در سوره اسراء می‌فرمایند: «وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ حَشِيَّةً ۖ اِمْلَاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُهُمْ وَإِيَّاكُمْ ۚ اِنْ قَتَلْتُمْهُمْ كَانَتْ خِطَاً كَبِيْرًا»^{۱۹}؛ هرگز فرزندان خود را از ترس فقر به قتل نرسانید (زنده کشتی نکنید) ما رازق آنها و شما هستی‌م، زیرا قتل فرزندان بسیار گناه بزرگی است.

این آیه شریفه جواب کسانی است که از فقر می‌ترسند: حَشِيَّةً ۖ اِمْلَاقٍ. این افراد نگران زندگی فعلی خود نیستند ولی از این می‌ترسند که اگر فرزندان داشته باشند نتوانند از پس مخارج آنها برآیند. البته این ترس شاید ترس عقلایی به حساب آید برای همین است که خداوند این افراد را مورد خطاب قرار داده و با بیان اینکه "ما هم رزق آنها را می‌دهیم و هم رزق شما را"، درصد برطرف کردن نگرانی این افراد در مورد ارتزاق فرزندان است.

خوب است به دو خاطره^{۲۰} از سقط‌جنین اشاره کنم که از مصادیق تحقق وعده الهی هستند؛ زنی ۲۴ ساله که در دوران عقد باردار شده بود از ترس آبرو بچه خود را سقط کرد، وی مدتی بعد از سقط‌جنین، "متاستاز" شد و به سرطان روده مبتلا شد، وقتی با من حرف می‌زد، گریه می‌کرد و می‌گفت همه دکترها جوابش کرده‌اند؛ وقتی آیه مذکور را برایش خواندم بر سرش کوبید و ابراز پشیمانی کرد؛ طبق این آیه هر کس مرتکب عمل زشت سقط شود، مورد آماج بلا می‌شود؛ رزق و روزی، دست خداست و لقمه حلال و خواندن نماز خودش کار تربیت اولاد را انجام می‌دهد.

خاطره دوم

معلمی می‌گفت: یک سال به همراه یک معلم دیگر در ازای حقوقی ناچیز در روستایی تدریس می‌کردم، به‌طوری‌که به خاطر نداشتن کرایه تردد، شب را در مدرسه می‌ماندم. این معلم روزی به من گفت صاحب پنجمین فرزند خود شده اما پس از آزمایش غربالگری متوجه شده که جنین دچار بیماری "منگولیسم یا سندروم داون" است؛ این معلم می‌خواست به خاطر عدم بضاعت مالی و نقص جنین، فرزند خود را سقط کند.

به او گفتم که "سقط‌جنین از نظر قرآن حرام است و این کار، انسان را به بلا مبتلا می‌کند، چه‌بسا که رزقی در آن باشد" به او این آیه را گوشزد کردم: «قَدْ خَسِرَ الَّذِينَ قَتَلُوا أَوْلَادَهُمْ سَفَهًا بِغَيْرِ عِلْمٍ وَحَرَمُوا»؛ کسانی که بدون علم فرزندان‌شان را می‌کشند، زیان می‌کنند، چون خدای متعال در ادامه این آیه می‌فرماید: مَا رَزَقَهُمُ اللَّهُ؛ یعنی خدا رزق آن را می‌دهد و نادان کسی است که سقط می‌کند. این معلم با علم به ابتلای جنین به سندروم داون، از سقط کردن جنین منصرف شد و پس از مدتی بچه به دنیا آمد درحالی‌که مبتلا به سندروم داون بود؛ بعدها از آن

^{۱۸} دیگری می‌گوید: «من هم به چشم دارم می‌بینم. همسرم دانشجویست و منبع درآمد درستی نداریم و از وقتی هم باردار شدم قیمت‌ها ۳ برابر شده اما زندگی ما راحت‌تر شده. ما که گاهی آخر ماه کم می‌آوردیم الان با هزینه‌های آزمایش و... اصلاً کم نمی‌یاریم و راحت‌تر از همیشه زندگی می‌کنیم. کارها رو غلتک افتاده و بدون اینکه ما دنبالش باشیم مشکلات داره حل میشه. هیچ وقت فکر نمی‌کردم بچه آنقدر پُر روزی باشه که با همون حقوق و گرونی و هزینه ما اضافه هم بیاریم.»

﴿الاسراء، ۳۱﴾

^{۲۰} خاطره سوم

ما برای فرزند دار شدن کلی برنامه داشتیم که اول همسرم یک کار خوب مرتبط با رشته‌اش پیدا کنه وقتی به یه ثباتی رسیدیم بعد بچه‌دار شویم، اما خب خدا صلاح دوست اول فرزندمون به دنیا بیاد بعد همه چیز روی روال بیفته.

دیگری می‌گوید: من همیشه نگران مخارج بچه بودم، باور نداشتم ولی حالا که به چشم دیدم نظرم کاملاً عوض شده و با این حرف موافقم. نی‌نی من هنوز دنیا نیومده. خدا میدونه از وقتی فهمیدیم تو راهه، سخت‌ترین مشکلات مالی‌مون به راحتی حل شده طوری کارها رو غلتک افتاده که خودمونم متعجب شدیم.

سوال: در لطف خدا هیچ شکی نیست اما آدم از فردای خودش خبر نداره...

جواب: از این حرف معلوم می‌شود هم در لطف خدا شکی هست هم در توکل به خدا. پس توکل به خدا کجا معنا پیدا می‌کند؟ بنده مؤمن کار درست را انجام می‌دهد و نتیجه را به خدا می‌سپارد.

معلم شنیدم که می‌گفت: «وجود این بچه، آرامش را وارد زندگی‌ام کرد و خدا به خاطر آن، باقی فرزندانم را حفظ کرد، وضع مالی‌ام تغییر کرد و برکت عجیبی وارد زندگی‌ام شد به‌نحوی که در حال حاضر با تمکن مالی بسیار خوبی که دارم، ۵۰ خانواده نیازمند را تحت پوشش دارم!» فرزند این فرد هم وقتی به سن بیست‌سالگی رسید بر اثر ایست قلبی فوت کرد و بعد از فوتش، ۱۷ عضو بدن وی اهدا شد؛ مشاهده می‌کنیم همین بچه منگل که به گفته دکترها باید سقط می‌شد، به ۱۷ نفر زندگی دوباره بخشید!

سرپرستی و نگهداری فرزندان از جنبه‌های مختلف برای هر یک از والدین به‌تنهایی سخت و طاقت‌فرسا است ولی خدا ولی و سرپرست مؤمنان است: «بَلِّ اللَّهُ مَوْلَاكُمْ وَ هُوَ خَيْرُ النَّاصِرِينَ»^{۲۱}.

شکی در این نیست که تلاش افراد در کسب روزی دخیل است. اگر افراد دنبال روزی خود نروند در موارد بسیاری از آن محروم می‌شوند. درست است که خداوند متعال روزی‌رسان است؛ ولی چنین نیست که خدا روزی هر کسی را در دهانش بگذارد. از قدیم می‌گفتند از تو حرکت از خدا برکت. من و شما وظیفه داریم به فعالیتِ شغلی خودمان بپردازیم و تلاش کنیم ولی رزاق اصلی خدای مهربان است.

هدف احساسی: حس شوق و امید در جهت توسعه رزق در صورت حفظ جنین

احساس

احساس

امیر المومنین و حضرت زهرا علیهما السلام می‌دانند که اگر با حساب ریاضی خدا به مشکلاتمان نگاه کنیم، وعده حق خدا، یاری و حمایت و حل مشکلات است.

خداوند متعال می‌فرماید: «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَلَكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ»؛ و اگر اهل شهرها و آبادی‌ها، ایمان می‌آوردند و تقوا پیشه می‌کردند، برکات آسمان و زمین را بر آنها می‌گشودیم؛ ولی آنها حق را تکذیب کردند؛ ما هم آنان را به کیفر اعمالشان مجازات کردیم.^{۲۲}

این گفتار حکیمانه در واقع می‌خواهد مردم را از بخل و تنگ گرفتن بر عیال و کسانی که نان‌خور او هستند بر حذر دارد و به شرکت در کارهای خیر تشویق کند و امیدوار سازد که هراندازه بیشتر به سراغ این امور روند خداوند هم روزی آنها را وسیع‌تر می‌کند.

اگر مادران باردار، تقوای الهی را رعایت کنند و به‌جای گناه کبیره سقط‌جنین، فرزندان را حفظ نمایند؛ خدای مهربان وسعت مالی فراوان نصیب آنها خواهد کرد و بالعکس اگر مرتکب قتل فرزند خودشان شوند در دو دنیا به نکبت و بدبختی مالی و غیرمالی مبتلا خواهند شد. این وعده حق خداست.

از دوران عقدمون (حدود ۶ سال پیش) قصد فروش خط رند همسرم را داشتیم. بارها آگهی داده بودیم اما علی‌رغم رندی زیاد به قیمت خوب نمی‌رفت. مشتری قیمت بالا داشت اما دلایل همه‌اش رأی مشتری‌ها رو میزدن تا خودشون خط رو به دست بیارن... تا اینکه وقتی توی اتاق عمل بودم بی آنکه در آن روز یا حتی روز قبلش آگهی داده باشیم یکی زنگ زد به موبایل شوهرم و خطشو به قیمت خوبی (۵ میلیون تومن) خرید. احتمالاً از آگهی‌های قدیم میدونسته قصد فروش داریم. جالب اینکه من اورژانسی و ساعت ده و نیم شب سزارین شدم. غیر از این بدون اینکه حتی انتظارشو داشته باشم هفت‌ماهه باردار بودم که حرف خونه خریدنمون پیش اومد ولی

۱. آیه
توسعه
رزق در
صورت
رعایت
تقوا در
ترک
سقط
جنین

۲. داستان
امید
بخش

<p>توسعه رزق</p>	<p>من چون پول نداشتیم حتی می‌ترسیدم شوهرم حرفشو بزنه اما خدا می‌خواست برای فرزندمون و ما خونه بخره و فرشته‌هاشو فرستاده بود. همه دست به دست هم دادن و خونه‌ای خریدیم به لطف خدا که خوابش را هم نمی‌دیدیم. چند روز شاید ۱۰ روز قبل از تولد بچه قول‌نامه کردیم.^{۳۳}</p> <p>ابن ابی الحدید در شرح نهج البلاغه حدیثی را از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) آورده که: «مَنْ وَسَّعَ وَعَسَّعَ عَلَيْهِ وَ كَلَّمَا كَثَرَ الْعِيَالُ كَثُرَ الرِّزْقُ»^{۳۴}؛ (هر کس دامنه انفاق را گسترش دهد خداوند روزی او را وسیع‌تر می‌کند و هر زمان افراد خانواده انسان بیشتر شوند روزی نیز فزون‌تر خواهد شد). این مفسر نهج البلاغه سپس داستانی از بعضی از ثروتمندان نقل می‌کند که تقسیم سالانه‌ای برای جمعی از فقرا داشت. ناگهان به نظرش آمد که این هزینه زیادی می‌برد. به حسابدار خود دستور داد که آن را قطع کند. شبی در خواب دید که اموال زیادی در خانه دارد و گروهی آنها را از درون خانه‌اش به آسمان می‌برند و او جزع و بی‌تابی می‌کند و عَرَضه می‌دارد: پروردگارا! روزی من چه شد؟ روزی من چه شد؟ ناگاه این پیام به او رسید که ما اینها را به تو روزی دادیم که آن را درباره فقرا مصرف کنی هنگامی که آن را قطع کردی ما هم آنها را از تو گرفتیم به دیگران دادیم. صبح گاهان هنگامی که بیدار شد به حسابدارش دستور داد تمام آن کمک‌ها را ادامه دهد.^{۳۵}</p>
<p>رفتار</p>	<p>(راهکار های حل مشکلات اقتصادی جهت حفظ جنین)</p>
	<p>این فرصت برای من و شما هست که بتوانیم در فضای جامعه فضایی ایجاد کنیم که افراد جامعه، دیگران را حامی خود در تأمین مخارج فرزند نرسیده خود بدانند حتی در فرزندان خدا خواسته به‌راحتی حس کنند می‌توانند روی کمک مردم هم حساب کنند؛ در نتیجه بتوانند با حساب ریاضی خدا، به مشکلاتشان نگاه کنند؛ برای این کار می‌شود با راهکارهای زیر باور مردم را روی حساب ریاضی خدا تقویت کنیم:</p> <p>(۱) افزایش اطلاعات</p> <p>جهت اطلاع بیشتر در این مورد توصیه می‌شود کتاب «ایران جوان بمان» را مطالعه کنید. این کتاب حاصل پاسخ حجت‌الاسلام عباسی ولدی به سؤالات شنوندگان برنامه‌های رادیو معارف است که در بیانی ساده و روان، همه موضوعات و مسائل مطرح در بحث افزایش جمعیت، تربیت فرزند، کنترل جمعیت در ایران، مشکلات اقتصادی خانواده‌های پرجمعیت، سنت‌های الهی در رزق و روزی به بندگان، جایگاه فرزند آوری در اسلام و... را طرح کرده است. شما می‌توانید برای تهیه کتاب به سایت پاتوق کتاب فردا^{۳۶} مراجعه کنید و این کتاب را آنلاین سفارش بدهید.</p> <p>(۲) سرمایه‌گذاری برای آینده، ازدواج، تحصیل، بیمه عمر، بیمه ازدواج</p> <p>پس‌انداز و سرمایه‌گذاری برای فرزندان مثل استفاده از بیمه عمر و... تمهیدی برای تأمین آتیه است در موارد ریسک اقتصادی، فوت شخص و قطع درآمد وی و همچنین از کارافتادگی و بازنشستگی و بیماری‌ها و هزینه‌هایش. ضمن اینکه تأمین هزینه‌های غیرمترقبه، می‌تواند از صندوق ذخیره بیمه زندگی سرپرست خانواده هم تأمین شود.</p> <p>حساب‌های بانکی تأمین آتیه مثل بانک صادرات، مسکن، آینده، رفاه، کشاورزی و... هم برای جمع‌آوری مبالغ خرد و تبدیل به سرمایه ارزنده در میان‌مدت، مانند بیمه عمر عمل می‌کند.</p> <p>(۳) صندوق‌های قرض‌الحسنه خانگی</p>

^{۳۳} نی نی سایت.

شرح نهج البلاغه لابن ابی الحدید، ابن ابی الحدید، عبد الحمید بن هبه الله، محقق/مصحح: ابراهیم، محمد ابوالفضل، مکتبه آیه الله المرعشی النجفی، قم، ۱۴۰۴ هـ. ق، چاپ اول، ج ۱۸، ص ۳۳۷.

پیام امام امیر المومنین علیه السلام، ج ۱۳، ص ۱۴۳ و ۱۴۴.

^{۳۶} www.bookroom.ir

اگر مؤمنین فامیل صندوق‌های قرض‌الحسنه خانگی تشکیل دهند و اولویت وام‌دهی را برای حمایت از رفع مشکلات خانم‌های باردار و سایر مشکلات مالی آنها قرار دهند، به راحتی می‌توانند باور بستگان خود را نسبت به حساب ریاضی خدا زیاد کنند؛ فقط کافی است چندین نفر از اعضای فامیل یا دوستان و آشنایان که به یکدیگر اعتماد کافی دارند دور هم جمع شوند و یک صندوق قرض‌الحسنه راه بیندازند.

آقای حسین رامبد حدود ۱۵ سال پیش صندوق فامیلی کوچکی را راه می‌اندازد تا به اعضای آن وام بدهد؛ اما صندوق آقای رامبد، قوانین و چینش خاصی دارد که شبیه هیچ کدام از صندوق‌های فامیلی نیست: این صندوق قسط ماهانه مشخصی ندارد. دریافت‌کننده وام می‌تواند ماهانه هر مقداری که می‌تواند پرداخت کند. ممکن است حتی یک ماه یا چند ماه پولی پرداخت کند و این موضوع هیچ ایرادی ندارد. فقط تا تسویه وام نمی‌تواند وام جدیدی دریافت کند. این صندوق مزایای بسیار زیادی نسبت به وام‌های بانکی و بقیه جاها دارد. اینجا هیچ سند و مدرک و چک و سفته‌ای وجود ندارد و همه چیز بر اساس اعتماد است.^{۳۷}

۴) راه‌اندازی کمپین‌های رصد و حمایت از خانواده‌های بی‌بضاعت

امام جماعت مسجد یا روحانی هیئت و هیئت امناء می‌توانند با کمک همدیگر یک کمپین اجتماعی یا خیریه را تشکیل دهند و خانواده‌هایی را که از لحاظ مالی ضعیف هستند، خصوصاً آنهایی که در انتظار تولد فرزند نورسیده هستند رصد، و مشکلاتشان را شناسایی، و به حل مشکلاتشان کمک کنند.

آقای رضا هلالی مداح هیئت الرضا تهران: خیریه‌ای به نام امام حسن مجتبی (علیه السلام) داریم که برای بی‌بضاعت‌ها جهیزیه و خانه استیجاری تأمین می‌کنیم.

حضرت زهرا (سلام الله علیها) از ما خواسته است که هوای مستمندان را داشته باشیم. فکر نکنید که ما فقط به هیئت

می‌آییم و سینه می‌زنیم و می‌رویم؛ ما قبل و بعد از هیئت برای جهیزیه و پرداخت بدهی بدهکاران تلاش می‌کنیم. ما با مشکلات هیئت راه می‌اندازیم، با مشکلات و مریضی می‌خوانیم و با مشکلات هم پیش می‌رویم. خدا کمک می‌کند و امام حسین (علیه السلام) برکت می‌دهد. ما تا جایی که توان داریم به وظیفه‌مان عمل می‌کنیم و یک نهاد مردمی هستیم؛ از جای خاصی حمایت نمی‌شویم.^{۳۸}

شهید احمدی روشن دستم را گرفت، از خوابگاه برد بیرون. روبه‌روی خوابگاه زنجان خانه‌هایی بود که معلوم بود از قدیم مانده؛ از زمان آلونک‌نشین‌ها. همیشه چشمم به این خانه‌ها می‌افتاد، اما هیچ‌وقت فکر نکرده بودم به آدم‌هایی که توی این آلونک‌ها زندگی می‌کنند. اوضاعشان خیلی خراب بود. رفتیم جلوتر. از یکی از خانه‌ها خانمی آمد بیرون، سه تا بچه قد و نیم قد هم پشت سرش. مصطفی تا چشمش به بچه‌ها افتاد، قربان صدقه‌شان رفت. خانه در واقع، یک اتاق خرابه نمناک بود. در نداشت؛ پرده جلویش آویزان بود. از تیر چراغ برق سیم کشیده بودند و یک چراغ جلوی در روشن کرده بودند. مصطفی گفت: «بین اینا چطوری دارن زندگی می‌کنن. ما ازشون غافلیم.» چند وقتی بود بهشان سر می‌زد. برنج و روغن می‌خرید و برایشان می‌برد. وقتی هم که خودش نمی‌توانست کمک کند، چند تا از بچه‌ها را می‌برد که آنها کمک کنند.^{۳۹}

روضه

امام رضا علیه‌السلام فرمود: «نگاه کردن به فرزندان و ذریه‌های ما عبادت است.» از امام سؤال شد: «ای پسر رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله، آیا نگاه به امامان اهل بیت علیهم‌السلام که از شما خانواده هستند، عبادت است یا نگاه به تمام کسانی که از نسل رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله وجود آمده‌اند؟ امام رضا علیه‌السلام در ادامه فرمود: «بَلِ النَّظَرِ إِلَى جَمِيعِ ذُرِّيَةِ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عِبَادَةٌ»

^{۳۷} <https://b2n.ir/114946>

^{۳۸} <https://b2n.ir/983302>

^{۳۹} <https://b2n.ir/238682>

مَا لَمْ يَفَارِقُوا مِنْهَا جَهًا وَ لَمْ يَتَلَوُّوا بِالْمَعَاصِي^{۳۰}؛ بلکه نگاه به تمامی ذریه‌های پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله عبادت محسوب می‌شود تا زمانی که خود را به گناه نیالایند و از راه پیامبر جدا نشوند.»

اما چه کردند با نسل و ذریه حضرت زهرا؟

تُلث سادات جهان کم شد و پروانه شدی

کاش در پشتِ در سوخته مسمار نبود

کربلا جلوه هفتاد و سه تن بود اگر

هیزم و میخ در و آتش و دیوار نبود^{۳۱}

در فاطمیه یک دنیا اندوه وجود دارد. عاشورا و شهادت امیرالمؤمنین علیه السلام جای خود، اما مصیبت فاطمه سلام الله علیها آغاز مصیبت‌های شیعه است. اول شهیدی که در راه امامت و ولایت فدا شد در این ایام بود. نمی‌دانم فاطمه در این شب‌ها چه حالتی داشت، اما نوشته‌اند: «كَالشَّبَّهِ» به قدری لاغر شده بود مثل شب‌حی می‌ماند در رختخواب. دیگر فاطمه بعد از پدر «نَاحِلَةَ الْجِسْمِ، مُنْهَدَّةَ الرُّكْنِ، بَاكِيَةَ الْعَيْنِ مُخْتَرِقَةَ الْقَلْبِ»^{۳۲} اشک چشمش خشک نشد، سوز قلبش آرام نگرفت و روز به روز لاغرتر می‌شد. اگر کسی پیش او می‌رفت می‌دید که امروزش با دیروزش به کلی فرق کرده است. بعضی از زن‌ها می‌آمدند سؤال می‌کردند: خانم! بیماری شما چیست که این قدر بدنتان نحیف شده و شما را از پا درآورده است؟ می‌فرمود: بیماری من تنها بیماری جسمی نیست، من از ظلمی که به حق علیه السلام روا داشته شده است می‌سوزم. فقدان پدر و ظلم به علی^{۳۳}؛ جسمم را نحیف و مانند شَبَّح ساخته است.

سنگ صبورش قبر پیغمبر بود. بلند می‌شد، آرام می‌آمد کنار قبر رسول‌الله و با خودش نجوا می‌کرد: یا رسول‌الله! «بَقِيْتُ وَاللَّهِ وَحِيدَةً وَ حَيْرَانَةً فَرِيدَةً»^{۳۴} بابا، به خدا بعد از تو تنها شدم. مردم از ما اعراض کرده‌اند. بابا! دیگر جواب سلام علی را هم نمی‌دهند. خانه‌ای را که شش ماه بر در آن خانه می‌آمدی و می‌گفتی: السَّلَامُ عَلَيكُمْ یا اهل البيت و آیه تطهیر را می‌خواندی، بلند شو بین با آن چه کرده‌اند.

بنگر به جانب کاشانه زهرا

ماندم به میان در و دیوار زکینه

به دل خسته زهرا نظری کن

بعد از تو پدر رفت ز کف عزت زهرا

بنگر به در سوخته خانه زهرا

تا محسن من سقط شد ای ماه مدینه

بر پهلوی بشکسته زهرا نظری کن

جز مرگ نباشد پس از این حسرت زهرا

بابا، یک خواهش از تو دارم. دعا کن فاطمه پیش تو بیاید و به تو ملحق گردد؛ «يَا إِلَهِي عَجِّلْ وَفَاتِي سَرِيعاً»^{۳۵}.

۳۰. قَالَ النَّظَرُ إِلَى ذُرِّيَّتِنَا عِبَادَةٌ فَعِيلٌ لَهُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ النَّظَرُ إِلَى الْأَيِّمَةِ مِنْكُمْ عِبَادَةٌ أَوْ النَّظَرُ إِلَى جَمِيعِ ذُرِّيَةِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ بَلِ النَّظَرُ إِلَى جَمِيعِ ذُرِّيَةِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عِبَادَةٌ مَا لَمْ يَفَارِقُوا مِنْهَا جَهًا وَ لَمْ يَتَلَوُّوا بِالْمَعَاصِي. عيون أخبار الرضا عليه السلام، ج ۲، ۵۱، باب فيما جاء عن الرضا عليه السلام من الأخبار المجموعه.

۳۱. محسن کاویانی

۳۲. بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۱۸۱؛ مناقب، ج ۳، ص ۳۶۲.

۳۳. بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۱۵۶؛ مناقب ابن شهر آشوب، ج ۲، ص ۲۰۵ - ۴۹.

۳۴. بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۱۷۵.

۳۵. بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۱۷۷.